

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۱۹۸۰۵۴۴۰ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۲ • ۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۵ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۹۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۹:۴۵
اذان صبح فردا ۳:۰۹ • طلوع آفتاب ۴:۵۴

شترت

دیالوگ روز

کارول - تاد هینز - ۱۹۹۳

کارول (کیت بلانشت): ااستعداد چیزی نیست که بقیه مردم بخوان بهت بگن داریش یا نه.

تنها کاری که می‌تونی بکنی اینه که مدام کار کنی

و احساس کنی کار درست چیه

و باقیشو بریزی دور.

نشانه‌خوانی

رخداد به منزله عبور از انکار



پویا نعمت‌الهی

روزنامه‌نگار

در روزهای گذشته دو اتفاق مهم در دو ساحت مختلف اجتماعی رخ داده است که اگر در کنار هم قرار بگیرند، می‌توانند بیانگر یک «رخداد» مهم باشند.

اما آن دو اتفاق مهم اخیر چه بوده است؟

اولین اتفاق را باید تشکیل یک کارگروه از سوی رئیس‌جمهور جهت بررسی کندی سرعت اینترنت دانست. رئیس‌جمهوری در جلسه شورای عالی فضای مجازی، به برخی گلیه‌های مردمی درباره کندی اینترنت اشاره کرد. در همین راستا، او کارگروهی متشکل از مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را مأمور کرد تا موضوع کاهش‌های اخیر سرعت اینترنت را بررسی کند.

اتفاق دوم نیز اظهارات معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور است. او گفته که نباید جوگیر شویم و اگر بگوییم همه دارند مهاجرت می‌کنند، غلط است. در عین حال که ایشان مهاجرت را یک موضوع جدی می‌دانند، اما معتقد است جامعه نخبگی نباید به تب مهاجرت دامن بزند.

اما از قراردادن این دو خبر در کنار یکدیگر چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

پاسخ این است که این دو اتفاق را باید به‌همتاب یک «رخداد» تلقی کرد.

آن بدیو، فیلسوف فرانسوی نئومارکسیسم و انتقادی معاصر است. آثار متعددی از او در ایران منتشر شده و توجهات زیادی را برانگیخته است. یکی از عرصه‌های تأملات بدیو معطوف به پدیده رخداد است. در دستگاه نظری او، هستی‌شناسی و منطق با حقیقت و سوپزکتیویته پیوندی می‌خورد.

دو اتفاقی که اینک در عرصه رخداد قرار می‌گیرند، یکی موضوع سرعت اینترنت و دیگری مهاجرت و فرار مغزهاست.

درباره موضوع اول همواره مسئولان وزارت ارتباطات هرگونه کاهش سرعت اینترنت را انکار می‌کنند. این مسئولان نه‌تنها حاضر به پذیرش هیچ‌گونه کاهش‌ی در سرعت اینترنت نیستند، بلکه حتی داعیه افزایش سرعت در سال‌های اخیر را هم مطرح می‌کنند. از این‌رو هیچ توضیح دقیقی در راستای شفاف‌سازی دلایل این کاهش ارائه نداده و اصلا موضوعیتی برای آن قائل نیستند.

از سوی دیگر، همین ادعای افزایش مکرر سرعت اینترنت می‌باید به‌منزله موضع سایر نهاده‌ا، افراد و مقامات رسمی کشور محسوب شود. بالطبع رئیس‌جمهور (به‌عنوان مقام بالاتر از وزیر ارتباطات) نیز می‌بایستی چنین ادعایی داشته باشد یا حداقل اینکه خلاف آن را مطرح نکند.

بدیو رخداد را یک «کنثر» می‌داند که متشکل از عضوهای عرصه رخدادپذیر و خود «رخداد» است؛ به‌گونه‌ای که هر حقیقتی همواره و ضرورتاً قائم به وقوع رخداد است.

بنابراین همین که رئیس‌جمهور دستور تشکیل کارگروهی را برای بررسی کاهش سرعت اینترنت داده است، باید به‌مثابه عبور از مرحله انکار تلقی و آن را گامی رو به جلو تصور کرد و وجهه رخداد‌بودگی را بر آن مرتب‌ب دانست. این البته صرفاً در ساحت بوروکراتیک ماجراست؛ چراکه پیش‌بینی نتیجه بررسی‌های کارگروه یادشده چندان کار سختی نیست.

مشابه همین فرایند را می‌توان در اظهارات معاون علمی رئیس‌جمهور نیز رصد کرد. در مورد فرار مغزها نیز مقامات و مسئولان موضع دقیق و مشخصی ندارند، اما در هر حال مقامات اسبق، سابق و کنونی به‌طور کلی پدیده مذکور را فاقد صحت می‌دانند.

معمولاً این‌گونه پدیده‌ها در کشور ما نمی‌توانند به‌طور بی‌طرفانه مشمول آمارگیری و محاسبه قرار گیرند و در نتیجه هرگونه آمارهایی از این دست از سوی مسئولان مذکور فاقد اعتبار تلقی می‌شود.

حتی برخی مسئولان مربوطه نه‌تنها مهاجرت مغزها را تکذیب می‌کنند، بلکه از عملکرد خود در جایگاه «شکار مغزها» یا غناوینی همچون «گردش نخبگان» تجلیل هم می‌کنند. اما معاون علمی رئیس‌جمهور در همین خبر اظهار کرده که موضوع مهاجرت، موضوعی است که نباید به آن با دو رویکرد «هیجانی» یا «پوششانی» نگاه کرد. این اظهارات به این معناست که پدیده فرار مغزها وجود دارد، اما چون هیچ‌کس را یارای اعتراض به آن نیست، بهتر است آن را «پوششانی» نکنیم و به تعبیر ایشان نباید جوگیر شویم. در اینجا نیز شاهد عبور از مرحله انکار هستیم.

بدیو معتقد است حقایق ابدی ذیل چهار فرایند علم، هنر، سیاست و عشق محقق می‌شوند. حقایق مذکور البته نمی‌توانند در سپهر ایده‌ها وجود داشته باشند؛ چراکه آنها نتیجه رخدادی تصمیم‌ناپذیر و وفاداری سوزنده هستند. وجه دائمی انکار مسئولان در اینجا صیغه‌های تاریخ‌مند به خود می‌گیرد؛ حال آنکه به تعبیر بدیو، هر فرایندی که عاری از حقیقت باشد، به معنای حقیقی کلمه غیرتاریخی است. تاریخیت انکار و تکذیب نقش مهمی در تبیین تغییرات مذکور به مثابه رخداد دارد.

اساساً وضعیت‌های تاریخی همیشه مستعد تغییر هستند و به همین علت بدیو آنها را عرصه رخدادپذیر می‌نامد. این موقعیت‌ها ملازم تغییراتی چنان بنیادین هستند که ممکن است چه‌بسا دانش ما را درباره وضعیت‌های قبلی به‌طور کامل متحول و دگرگون کند.

این خبر خوبی است که بعد از سال‌ها نکل، اکنون برخی مسئولان به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ دستاوردی از امتناع وجود پدیده‌هایی که به عیان در مقابل چشم مردم رژه می‌روند، حاصل نخواهد شد و آنها را غایب یا پنهان دانست. مسئله هم بر سر همان غیاب یا فقدان عنصرهاست. همین غیاب است که عرصه را برای یک رخداد همواره گشوده نگه می‌دارد. اکنون سؤال بعدی این است که مرحله بعد از انکار چیست؟ از زوی قرآن می‌توان انتظار داشت که باید شاهد مقاومت این مسئولان باشیم. بعد از گذشت چندین دهه از تسلط نگاه «حاشامحور»، آیا می‌توان انتظار داشت نگاه توأم با پذیرش پدیده‌ها حاکم شود؟

پاسخ به این پرسش در واقع به‌مثابه پاسخ به پرسشی دیگر است و آن اینکه مختصات آن تغییر‌ریشه‌ای که نظم وضعیت موجود را دامن‌ا حول تکذیب، نفی، نکل و امتناع برخی هستارها و موجودیت‌ها می‌گردیده، چگونه می‌توان ترسیم و تعیین کرد؟



● مراسم تشییع بیکر فریماه فرجامی، بازیگر پیش‌کسوت سینما وتلوویزیون، سه‌شنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۲ با حضور جمعی از هنرمندان در مقابل خانه هنرمندان برگزار شد.
عکس:علیرضا صوت‌اکبر، ایسنا

سیستم سهامی و معضلات بلاصاحب

مردم است. دوستی تعریف می‌کرد میهمانی از شهرستان برای درمان بیماری آمده و یک هفته خانه اینها بود. می‌گفت هر روز باید بقالی و قصابی و نانواایی و سبزی‌فروشی می‌رفتم و با دیدن قیمت‌ها، در بهت فرو رفته بودم که بیچاره مردم، با این وضعیت اسفناک چگونه گذران زندگی می‌کنند. کارگری که ۱۰ میلیون حقوق می‌گیرد، اجاره خانه می‌دهد و قسط وام دارد، چگونه زیر بار این گرانی‌ها تاب می‌آورد.

تضعیف دولت نبود؟ گریه می‌کرد و می‌گفت مسئولان اجرائی چگونه زندگی مردم را می‌بینند و راحت سر بر بالین می‌گذارند؟ به آن کارگر بخت‌برگشته، هرچه از موفقیت‌ها و دستاوردهای بزرگ و بزرگ‌تر بگویید، او سفره خود را می‌بیند که هر روز ناگزیر کوچک و کوچک‌تر می‌شود و دولتی را که خود می‌گوید و خود می‌خندد و احساس مسئولیت عملی در قبال مشکلات کمرشکن مردم ندارد.

واقعیت آن است که گویا دولت آقای رئیسی نمی‌تواند تصمیم بگیرد. انکار توان تصمیم‌گیری از آن سلب شده باشد.

در دولت فعلی تصور بر این بود که ایر و باد و مه و خورشید و فلک همراه شدند و آقای رئیسی را بر تخت صدارت نشست؛ پس دیگر خبری از ناهمانگی میان اضلاع قدرت نخواهد بود و اوضاع بر وفق مراد خواهد شد. اما چرا چنین نشده است؟ دولت چرا در مباحث مختلف، توان تصمیم‌گیری ندارد؟

انکار در بدنه دولت، ترس از تصمیم وجود دارد. انداختن مسئولیت مشکلات بر گردن دیگران، تا چه زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش و مقبول مردم باشد؟ مگر نه این است که دولت باید شکست و پیروزی را گردن بگیرد. مگر می‌شود ضعف و سستی در تمشیت زندگی ملموس این موفقیت‌ها در معیشت روزانه

قرار است تأخیر پرداخت کارانه پزشکان مراکز دولتی بعضی استان‌ها از مرز یک سال گذشته و به آستانه دو سال برسد؟ یا پرداخت حق و حقوق پرستاران کام دوم خود در تأخیر را بردارد و حتی پرسنل اداری هم از پرداخت حقوق ماهانه خود محروم شوند؟ چه بر سر ابزار و تجهیزات پزشکی می‌آید وقتی حتی اگر پولش را هم داشته باشیم، به علت تحریم نمی‌توانیم آنها را تعمیر کنیم. شاید دو دهک به زبان تعداد کمی باشد ولی با توجه به اینکه قبلاً تعریف دهک (یعنی یک‌دهم جمعیت کشور) در بحث دریافت پارانه‌های معیشتی از مفهوم آماری خود فاصله گرفت و مشخص شد این‌دک آن دهک نیست، پس بعید نیست همین دو دهک اضافه شامل ۲۰ یا ۳۰ میلیون نفر شود که منتظرند با دریافت بیمه رایگان، ی‌کر تیمارستان‌گردی رایگان نصیبشان شود.

قرار است تاخیر پرداخت کارانه پزشکان مراکز دولتی بعضی استان‌ها از مرز یک سال گذشته و به آستانه دو سال برسد؟ یا پرداخت حق و حقوق پرستاران کام دوم خود در تأخیر را بردارد و حتی پرسنل اداری هم از پرداخت حقوق ماهانه خود محروم شوند؟ چه بر سر ابزار و تجهیزات پزشکی می‌آید وقتی حتی اگر پولش را هم داشته باشیم، به علت تحریم نمی‌توانیم آنها را تعمیر کنیم. شاید دو دهک به زبان تعداد کمی باشد ولی با توجه به اینکه قبلاً تعریف دهک (یعنی یک‌دهم جمعیت کشور) در بحث دریافت پارانه‌های معیشتی از مفهوم آماری خود فاصله گرفت و مشخص شد این‌دک آن دهک نیست، پس بعید نیست همین دو دهک اضافه شامل ۲۰ یا ۳۰ میلیون نفر شود که منتظرند با دریافت بیمه رایگان، ی‌کر تیمارستان‌گردی رایگان نصیبشان شود.



● عکس: محمدعلی سلطانی

شبکه‌خوانی

حقوق ۳۰ میلیونی یا ۹ میلیونی؟

بر اساس تازه‌ترین گزارش بانک جهانی، ایران پنجمین کشور دنیا از نظر تورم قیمت مواد غذایی در جهان است. از سویی طبق گزارش‌های رسیده اجاره یک آپارتمان کوچک ۶۰ متری در تهران، حدوداً ماهی ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان است. در این شرایط در بهترین حالت حقوق و مزایای یک کارگر ۹ میلیون تومان است. اخیراً یکی از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس، میزان خط فقر در تهران را ۳۰ میلیون تومان عنوان کرده است. با توجه به داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، نزدیک به ۳۰ میلیون نفر زیر خط فقر به سر می‌برند. چندی پیش خبری منتشر شد که طبق آن کارگران ایرانی بهتر از دیگر کشورهای همسایه، پذیرای ایرانیان است. فرارو در گزارشی سعی کرده به این سؤال پاسخ دهد که چرا کارگران ایرانی راهی عراق می‌شوند؟

حسین راغفر در گفت‌وگو با فرارو درباره مهاجرت کارگران ایرانی به عراق گفت: «عراق یک کشور همسایه و نزدیک است و مشابهت فرهنگی زیادی با ایران دارد. همچنین جامعه برخی مناطق عراق، بهتر از دیگر کشورهای همسایه، پذیرای ایرانیان است. ضمن اینکه دستمزدها در عراق بالاست و اساساً قابل مقایسه با دستمزدهایی که در ایران پرداخت می‌شود نیست. مسیر مهاجرت نیروی کار به عراق، بسیار ساده‌تر از کشورهای غربی و اروپایی است و موانع سفت و سختی برای مهاجرت به این کشور وجود ندارد.»

وی افزود: «این مسئله در شرایطی تشدید می‌شود که مسئولان طرح‌های زود را می‌نویسند و دستمزد و امکانات حداقلی مورد نیاز نیروی کار را سرکوب می‌کنند. در نتیجه همین سرکوب دستمزد و مزایای نیروی کار، افراد تصمیم می‌گیرند به هر نحوی که شده مهاجرت کنند. رفت و آمد به عراق به دلیل مجاورت ایران و عراق بسیار ساده و کم‌هزینه است و روند اخذ ویزا و تردد نیز ساده‌تر از بسیاری از کشورهاست. عراق یک بازار کار نسبتاً فعال به جهت تقاضای نیروی کار و به‌ویژه نیروی کار فنی دارد. این نیروی کار در حوزه‌های تخصصی و چه در حوزه ساخت‌وساز و عمرانی استفاده می‌شود.»

راغفر افزود: «مسئله مهاجرت بدترین مشخصه اقتصاد کشور است که طی سال‌های اخیر رخ داده است که اتفاقاً هم‌اکنون نیز تبعات تشدید مهاجرت نیروی کار (کارگر یا متخصص حرفه‌ای) را شاهدیم. وضعیت اقتصاد ایران پس از چند دهه، هرگز به این بدی نبوده که امروز می‌بینیم. گفته می‌شود که آینده دنیا «جنگ بر سر نیروهای متخصص» است؛ به این معنا که هر کشوری که امکان جذب نیروهای متخصص و ماهر را فراهم کند، می‌تواند در بازار رقابت جهانی از دیگران سبقت بگیرد. متأسفانه در کشور ما فعلاً دغدغه مسئولان، چیزهای دیگر است تا مسئله حفظ توسعه و سرمایه‌های انسانی.»

این جمله را جهانخش سنجایی شیرازی، دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق گفت. سنجایی با اعلام بیشترشدن مهاجرت نیروی کار ایرانی به عراق هم گفته است: «نیروی کار ماهر در عراق ماهانه دو هزار دلار حقوق می‌گیرد؛ با پول ملی ما نزدیک صد میلیون تومان می‌شود. دو گروه از ایران به عراق مهاجرت می‌کنند؛ یک گروه نیروی کار ساده هستند که حجم عمده مهاجرت را تشکیل می‌دهد و گروه دوم نیز نیروی کار ماهر است. برای کارفرمای عراقی منطقی است که هزینه‌های اقامت یک نیروی کار ماهر را بپردازد.» به گفته سنجایی کارگران ایرانی احساس می‌کنند با کار در عراق به سطح اقتصادی بهتری می‌رسند.

حسان سلطانی هم به فرارو گفت: «در حال حاضر حقوق کارگر ما با کشورهای بسیار عقب‌مانده ازجمله کشورهای آفریقایی برابری می‌کند. طبیعتاً وقتی یک کارگر می‌تواند در عراق حداقل ماهی ۶۰۰ دلار درآمد داشته باشد، چرا این فرصت را از دست بدهد؟ عراق تنها کشوری نیست که کارگر ماهر ایرانی را جذب می‌کند؛ عربستان و ترکیه نیز از دیگر کشورهایی هستند که کارگران متخصص ایرانی را جذب می‌کنند. کارگری که بتواند خود را به اروپا برساند می‌تواند تا دو هزار دلار دستمزد بگیرد، بنابراین طبیعتاً وقتی دستمزدی گرفته می‌شود که برای هزینه‌های جاری زندگی کفایت نمی‌کند، مهاجرت امری بدیهی خواهد بود.»

این کارشناس اقتصادی گفت: «با درآمد پایه هفت الی هشت میلیون تومانی نه‌تنها نمی‌شود در کلان‌شهر تهران زندگی کرد، بلکه حتی زندگی در شهرستان‌ها نیز دشوار خواهد بود. در حال حاضر اجاره ماهانه آپارتمان‌های کوچک هم به ۱۰ میلیون تومان رسیده است. اتفاق بد دیگری که افتاده این است که نیروی کار تحصیل‌کرده نیز موازی با کارگران، در حال مهاجرت هستند؛ بنابراین به‌زودی نه‌تنها با بحران فقدان کارگر، بلکه با فقدان پزشک و مهندس و متخصصان روبه‌رو می‌شویم. دقیقاً به همان دلیل که اهالی افغانستان به کشور ما پناه می‌آورند، ایرانی‌ها هم به دامن کشورهای منطقه پناه می‌برند. این حقیقت تلخ اما ساده است.»